

# ادواتی که باید به جزیره مجنون می‌رسید



قبل از آغاز:

غروب دومین روز از اسفند سال ۱۳۶۲ بود که رزمندگان خط شکن و پیشرو لشکر ۳۱ عاشورا به فرماندهی "حمید باکری" سوار بر قایقها شدند و پاروزنان در هورالعظیم حرکت خود را آغاز کردند تا به مواضع ارتش بعث در جزایر مجنون برسند. سیهایی شب کم کم جای خود را به سپیده دم صبحگاهی میداد که آنها در لایه لایه نزارها از دید دشمن پنهان شدند تا روز را سپری کنند و با استفاده از تاریکی شب پیشروی را ادامه دهند و خود را به سنگرهای دشمن برسانند. با شروع "عملیات خیبر" بود که در یک حمله برق آسا و غافلگیرانه جان پر کفان خط شکن مواضع و سنگرهای دشمن را در هم کوبیدند و پل ورودی جزیره مجنون در نزدیکی پاسگاه "شحیطاط" تصرف شد و بعد از پاکسازی منطقه و ادامه عملیات روی جاده آسفالت با نصب چراغ قوه‌های نورافکن، باندی برای فرود هلی کوپترها آماده کردند تا نیروهای کمکی و پشتیبان هر چه سریعتر به داخل جزیره منتقل شوند. رزمندگان می‌بایست بعد از ساختن جای پای مستحکم در جزایر مجنون با پیشروی و در ادامه عملیات خود را به جاده بغداد-العمار-بصره می‌رساندند و زمینه هجوم به شهر بصره را آماده می‌کردند.

آسفالت داخل جزیره نتوانستند با نصب چراغهای قوه نورافکن باندی برای فرود هلی کوپترها آماده کنند تا هر چه سریعتر رزمندگان چهارگردان دیگر لشکر عاشورا برای کمک و پشتیبانی و ادامه عملیات به داخل جزیره انتقال یابند. نیروهای واحد ادوات آماده بودند تا بعد از سوار شدن نیروهای پیاده بتوانند تجهیزات و سلاحهای خود را در هلی کوپتر جای دهند و به کمک رزمندگان داخل جزیره بشتابند اما اوضاع نابسامانی در باند هلی کوپتر جریان داشت و متأسفانه ناهماهنگی و ناآشنایی خلبانان هوانیروز در باره منطقه عملیاتی و پرواز در شب، باعث شد که آنها از رفتن به جزیره خودداری کنند.

"مر ترضی یاغچیان" معاون عملیاتی لشکر

است. چاره‌ای نبود جز اینکه از جاده خاکی خود را به پشت خاکریزی می‌رساندیم. محدوده وسیعی در دو طرف جاده را قیرپاشی کرده بودند تا هنگام نشست و برخاست هلی کوپترها گرد و خاک بلند نشود و حدود ۱۲ هلی کوپتر شنوک هم برای انتقال نیروها و تدارکات و مهمات روی باند هلی کوپتر قرار گرفته بودند. رزمندگان یگانها، در انتظار شروع عملیات، در پشت خاکریزهای اطراف باند مستقر شدند. لحظه شماری می‌کردند تا هر چه سریعتر سوار بر هلی کوپترها راهی جزایر مجنون شوند. "عملیات خیبر" با کمی تأخیر در نیمه شب آغاز شد و "حمید باکری" و نیروهای همراه او پل ارتباطی جزیره مجنون در نزدیکی پاسگاه شحیطاط را به تصرف خود در آورده و با پیشروی روی جاده

"عزیز شیری" از رزمندگان و جانبازان جنگ تحمیلی است که سال ۱۳۴۳ در شهرستان مراغه به دنیا آمد و از سال ۱۳۶۰ راهی جبهه‌های نبرد با ارتش متجاوز صدام شد. حدود ۵۸ ماه در جبهه‌های جنگ حضور داشت و در عملیاتهای مختلف شرکت کرد و در این مدت مسئولیتهای مختلفی از جمله فرماندهی دسته و گروهان در واحد ادوات لشکر ۳۱ عاشورا را بر عهده داشت و در ماههای پایانی جنگ هم معاون گردان رزمی امیر المومنین (ع) شد.

در گفت و گوی اختصاصی که با "عزیز شیری" داشتیم، از روزهای ماندگار در عملیات خیبر سخن گفت و از جنگ و نبردی سخت و نفس گیر با نیروهای بعثی در جزیره مجنون

## بیم و امید

روزهای پایانی بهمن ماه سال ۱۳۶۲ بود که رزمندگان لشکر عاشورا در اردوگاهی در "تنگه سعه" شمال شرق بستان استقرار یافتند و خود را برای عملیات بزرگی آماده می‌کردند. آموزش و تمرینهای نظامی دشوار و نفس گیر حکایت از عملیاتی سخت و متفاوت داشت. "آقا صادق" از بچه‌های مراغه که در واحد اطلاعات و عملیات لشکر خدمت می‌کرد و به تازگی به جمع نیروهای واحد ادوات پیوسته بود، معاونت این واحد را عهده دار شد. اسفندماه که از راه رسید، در غروب آفتاب بود که رزمندگان با شور و حال برانگیزاننده‌ای سوار خودروها راهی منطقه طلائی شدند و هنگامی که در مقر تاکتیکی لشکر نزدیک "پاسگاه برزگر" مستقر شدند، برای حضور در عملیات لحظه شماری می‌کردند. سرانجام روز موعود فرا رسید و در سومین روز اسفند "قادر کاظمی" فرمانده واحد ادوات از نیروها خواست هر چه زودتر آماده حرکت شوند تا بعد از حمله رزمندگان گردانهای خط شکن به مواضع دشمن، به یاری آنها بشتابند. دم دمای غروب آفتاب با دو خودرو جیب حامل توپ ۱۰۶ به راه افتادیم. دو قبضه تیربار دوشکا و همچنین دو قبضه موشک انداز آرپی جی یازده داشتیم و تعدادی از نیروها همراهمان بودند. بعد از چند کیلومتر حرکت در جاده آسفالت، به سمت هورالعظیم در یافتیم با ریختن خاک جاده بسته



خاکریز میان ضلع مرکزی و ضلع غربی جزیره جنوبی، رزمندگان واحد ادوات